

Analyzing the Turkish Government's Dam Construction from the Perspective of International Environmental Law and Human Rights

Javad Ranjbarzadeh^{1*}, Askar Jalalian², Khodadad Khodadadi Dashtaki³

1. PhD Student in International Law, Islamic Azad University, Bushehr Branch, Bushehr, Iran.

2. Professor of International Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor of International Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Payame Noor University, Tehran, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 141-177

Received: 2023 May 14

Revised: 2023 June 30

Accepted: 2023 October 02



Abstract

The numerous dam constructions of the Turkish government have adverse environmental effects on the flora and fauna of the geographical area downstream of the dams, which have been investigated and confirmed by researchers in social sciences, geography, environment, and law, even sometimes through interdisciplinary articles. However, as a result of the research, a serious question is raised whether this damage has caused the violation of the fundamental rights of the people living in these areas, i.e. the countries of Syria, Iraq and Iran or not?

In this article, an attempt has been made to follow up the social events related to the living conditions on the banks of the rivers by reviewing the study records and also referring to legal documents and international treaties, especially judicial-arbitration. and even political procedures and using library and electronic resources in a descriptive-analytical way, we investigate the legal aspects of these dams from the perspective of international environmental laws and human rights, whether the territorial sovereignty of the Turkish government was involved in the construction of dams. . Human rights have been affected or not, and if yes, how and to what extent these rights have been violated.

Based on international customary rules, judicial opinions and also political procedures applied in similar cases, the creation of the destructive phenomenon of dust in large areas of the Middle East, the drying of the water source of unknown agricultural lands. And the new diseases and the migration of ethnic groups from the banks of the Tigris and Euphrates rivers are proof of continuous violation of human rights in the regions of these three countries, and it is necessary for these governments to take serious and urgent measures. Hold the government of Turkey accountable under international law.

Keywords: The Environment, Human Rights, International Law, International River, Dams, Turkey, Natural Resources

* Corresponding Author: r9171709686@gmail.com

واکاوی فعالیت‌های سدسازی دولت ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و حقوق بشر

جواد رنجبرزاده^{۱*}، عسکر جلالیان^۲، خداداد خدادادی دشتکی^۳

۱. دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران.
۲. استاد حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳. استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.



چکیده

این موضوع که سدسازی‌های متعدد دولت ترکیه اثرات نامطلوب محیط زیستی بر حیات گیاهی و جانوری حوزه جغرافیایی پائین دست سدها به‌ویژه مناطقی که به‌صورت مستقیم از سه رودخانه تاریخی دجله، فرات و اروند آبیاری شده و یا آورد آب این سه رود سبب جریان یافتن زندگی انسان‌ها و ساخت تمدن‌های باستانی در این نواحی گردیده، توسط محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی، جغرافیا، محیط زیست و حقوق حتی مقالات بین‌رشته‌ای مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شده است. در پی آمد پژوهش‌های انجام شده این سؤال جدی مطرح می‌شود که: آیا آسیب‌های وارد شده باعث از بین رفتن حقوق بنیادین و اساسی افراد ساکن در این مناطق یعنی کشورهای سوریه، عراق و ایران گردیده یا خیر؟ در این نوشتار تلاش شده تا با بررسی سوابق مطالعات انجام شده، پیگیری رویدادهای اجتماعی مربوط به شرایط زندگی در حاشیه‌های رودهای مورد بحث همین‌طور مراجعه به اسناد حقوقی و معاهدات بین‌المللی به‌خصوص رویه‌های قضایی - داوری و حتی سیاسی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی به شکلی توصیفی - تحلیلی به بررسی ابعاد حقوقی این سدسازی‌ها از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و حقوق بشر بپردازیم که اعمال حاکمیت سرزمینی دولت ترکیه در ساخت سدها، حقوق بشر را تحت تأثیر قرار داده یا نه و اگر پاسخ مثبت است، چگونه و به چه میزان این حقوق تضییع شده است. بر مبنای قواعد موضوعه و عرفی بین‌المللی، آرای قضایی... و نیز رویه‌های سیاسی اعمال شده در موارد مشابه، ایجاد پدیده مخرب گرد و غبارها در مناطق وسیعی از خاورمیانه، خشک شدن منبع آب اراضی کشاورزی، بیماری‌های ناشناخته و جدید و مهاجرت جمعیت‌های قومی از حاشیه‌های رودخانه‌های دجله و فرات شاهدهی بر نقض مستمر حقوق بشر در مناطقی از این سه کشور است و لازم است تا این دولت‌ها اقدام جدی و عاجلی را برای مسئولیت‌پذیری دولت ترکیه مطابق با حقوق بین‌الملل انجام دهند.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱۷۷-۱۴۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: محیط‌زیست، حقوق بشر، حقوق بین‌الملل، رودخانه بین‌المللی، سدها، ترکیه، منابع

طبیعی

* نویسنده مسئول: r9171709686@gmail.com

درآمد

تاریخ پرفرازونشیب بین‌النهرین که در محیطی گرم، کم‌باران و مجاور با صحرای خشک و سوزان شبه‌جزیره عربستان قرار گرفته، شاهد همه چیز بود الا کم‌آبی به‌ویژه در دنیای امروزی که پدیده مخرب جدیدی تحت عنوان بحران کمبود آب شیرین در جهان، صنعت رو به تعالی و شهرنشینی بشر را با چالشی جدید و بحران‌ساز روبرو نموده است. «۹۳۳ میلیون نفر یعنی (۳۲٫۵ درصد) از ساکنین شهری دنیا در سال ۲۰۱۶ در مناطق کم آب زندگی می‌کنند. [از این تعداد] ۳۵۹ میلیون نفر (۱۲٫۵ درصد) با کمبود دائمی و ۵۷۳ میلیون نفر (۲۰ درصد) کمبود آب فصلی را تجربه می‌کنند. هند با ۲۲۲ میلیون نفر و چین با ۱۵۹ میلیون نفر بالاترین رتبه را داشتند. جمعیت شهری که با کمبود آب مواجه هستند از ۵۲۶ شهر بزرگ جهان (شهرهایی با جمعیت بیش از یک میلیون نفر)، ۱۹۳ شهر آن یعنی ۳۶٫۷ درصد، در مناطق کم آب هستند قرار داشتند. از ۳۰ کلان‌شهر (با جمعیت بیش از ۱۰ میلیون نفر) ۹ شهر (۳۰ درصد) در مناطق کم آب هستند که شش مورد از آن‌ها، لس‌آنجلس، مسکو، لاهور، دهلی، بنگلور و پکن در مناطق کم آب دائمی و سه شهر مکزیکوسیتی، استانبول و کراچی با مشکل کمبود آب فصلی روبرویند» (Z, Liu, C, He), Wu, J., et al., ۲۰۱۲: ۷).

در این مختصر نوشتار، تلاش شده است تا با بررسی‌های فنی - حقوقی بالاخص واکاوی فعالیت‌های اخیر ترکیه در احداث سدهای متعدد بر روی سرچشمه‌های این دو رودخانه مهم و بین‌المللی، با فرض گرفتن این مسئله که سدهای متعدد آن دولت می‌تواند ناقض برخی از قواعد حقوق بین‌المللی به‌خصوص قواعد حقوق بشر باشد، رابطه سدسازی‌ها و نتایج حاصله از آنها در آینده را با رویکرد محیط زیستی بررسی کرده و آنگاه تبعات و عوارض منفی آنها در چگونگی نقض حقوق بشر مورد سؤال و کنکاش قرار گرفته تا ضمن پاسخ به آن، نشان داده شود که بسیاری از فعالیت‌های آن دولت در احداث سدهای جدید به دلیل ایجاد معضلات عدیده‌ای برای مردم پائین‌دست

رودخانه‌ها در تعارض شدید با حق حیات و زندگی سالم (به دلیل ایجاد ناامنی‌های غذایی، بروز آسیب‌های جدی جسمی ناشی از پدیده خشکی زمین و گردوغبار که زایل کننده امنیت انسانی هستند)، حق توسعه و حق بر آزادی افراد، از عوامل تهدیدکننده حقوق ذاتی انسانی‌اند و بنا بر بسیاری از قواعد بین‌الملل به‌ویژه قواعد عام شمول و حتی آمره، استمرار چنین فعالیت‌هایی از سوی دولت ترکیه برخلاف حقوق بشر می‌باشد و لازم است تا نسبت به اصلاح و حتی حذف برخی از فعالیت‌ها، اقدام نماید.

۱- سدسازی‌های ترکیه بر سرچشمه‌های دجله و فرات

در جوامع امروزی که افزایش جمعیت و تکثیر دولت - کشورها شرایط خاصی را در روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و به‌ویژه حقوقی به وجود آورده است، چگونگی استفاده از این‌گونه منابع طبیعی که در میان دولت - کشورها متعددی مشترک هستند، قواعد و ضوابط خاص خود را در چارچوب حقوق بین‌الملل به‌خصوص حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پیدا نموده (اشرف خانه‌ای و رجبی، ۱۳۹۵: ۳) و برخی از قواعد آمره این حقوق بالاخص در حوزه حقوق بشر که با آزادی و جان انسان‌ها سروکار دارد، شرایط شکلی و ماهوی ویژه‌ای را پدید آورده که هم به لحاظ نزاکتی و هم به‌منظور حفظ جایگاه سیاسی - حقوقی کشورها در روابط بین‌المللی، همین‌طور جلوگیری از اقدام متقابل دولت‌های خسارت‌دیده و یا در معرض آسیب، به‌عنوان یکی از ضمانت‌های اجرای حقوق بین‌الملل و یا تقابل سازمان‌های بین‌المللی و گاهی تحریم‌ها به‌عنوان یکی از ابزار اجبار دولت‌ها به تمکین به خواست مشترک جامعه جهانی، در اکثر مواقع حکومت‌ها و حتی آحاد جامعه از این قواعد نوظهور، تبعیت می‌کنند (حدادی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). حقوق بشر یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حقوق بین‌الملل را شامل می‌شود که به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد در روابط بین‌المللی و نظم نوین جهانی جایگاه ویژه‌ای یافته، به‌نوعی که بسیاری از قواعد مبتنی بر حقوق بشر جزو قواعد آمره تلقی می‌شوند به

صورتی که هر قاعده دیگر حقوقی چه ملی و چه بین‌المللی و هر معاهده‌ای که مغایر و یا در تضاد با آن‌ها باشند، بلا اثر تلقی می‌شوند.

ایده ساخت سد بر روی رودخانه‌های قره‌سو و مرادچای که دو منبع اصلی تشکیل دهنده رودخانه فرات هستند، همین‌طور رودخانه دجله در کشور ترکیه به قبل از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد که آن دولت در سال ۱۹۳۶ از اندیشه اجرایی پروژه‌ای بزرگ تحت عنوان «طرح آناتولی جنوب شرقی»^۱ برای ساخت ۲۲ سد آبی با ۱۹ نیروگاه برق آبی بر روی این رودخانه‌ها که در اصل سرچشمه دو رود بزرگ دجله و فرات هستند (کازمی، ۱۴۰۱: ۴۶)، رونمایی نمود. اگرچه بنا به دلایل سیاسی و اقتصادی آن زمان ترکیه، ساخت این تعداد سد برای آن کشور در طی ۳۰ سال زمان وعده داده شده، محقق نمی‌شد؛ اما گذشت زمان ثابت کرد که ورای دولت‌ها و سیاست‌گذاری‌های متفاوت و مختلف آن طی کمتر از یک قرن، ترکیه‌ای‌ها هرگز از این رؤیای خود دست برنداشته تا جایی که در سال ۱۹۸۰ پس از گذشت حدود ۵۰ سال، طرح یادشده رونق گرفت و سد آتاتورک به عنوان بزرگ‌ترین سد اروپا و ترکیه همچنین پنجمین سد بزرگ دنیا که در آن سال آغاز شده بود در بهار ۱۹۹۲ تکمیل گردید (اردو، سارا. ۱۴۰۱، پارا: ۵). «این سد حدود ۵۰ میلیارد مترمکعب (معادل تمام ۶۵۰ سد ایران) ظرفیت دارد» (فاخری، حسن. ۱۳۹۶: پارا: ۶).

برخلاف ادعاهای دولت ترکیه مبنی بر کم‌آب بودن آن کشور، وجود منابع عظیم آب باعث شده تا این کشوریکی از کشورهایی باشد که بیشترین تعداد سدهای آبی در دنیا را داشته باشد به گونه‌ای که ویسل اروغلو، وزیر آب و جنگل داری ترکیه در مصاحبه‌ای با خبرگزاری آناتولی آن کشور در سال ۲۰۱۷ اظهار داشت: «۲۷۶ سد در طول سال‌های ۱۹۵۴ تا ۲۰۰۲ در ترکیه ساخته شده که این تعداد در فاصله بین ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ با حدود ۳ برابر افزایش به ۷۲۷ مورد رسید و بنا داریم که تعداد سدهای کنونی را به دو برابر یعنی ۱۴۵۴ مورد سد تا سال ۲۰۲۳ برسانیم. [این تعداد] سد ساخته شده در سال ۲۰۲۳ می‌تواند نیاز

۱. در زبان ترکی "Projesi Anadolu Guneydogu" یا به اختصار (GAP)، خوانده میشود.

آب مصارف خانگی و صنایع همچنین آبیاری هشت و نیم میلیون هکتار زمین کشاورزی را در ترکیه تا سال ۲۰۴۰ تأمین کند و همین‌طور با تعبیه توربین‌هایی در برخی از این سدها، تولید انرژی نیز امکان‌پذیر می‌شود. ترکیه کشوری کم‌آب است، ما روش‌های آبیاری قدیمی را کنار گذاشته‌ایم و امروز آبیاری زمین‌های کشاورزی در ترکیه به روش قطره‌ای و بارانی صورت می‌گیرد» (فاخری، حسن. ۱۳۹۶: پارا. ۳).

علاوه بر این موضوعات ترکیه در سال ۲۰۰۶ ساخت سد جدیدی به نام «سد ایلیسو»^۱ را آغاز نمود که تا سال ۲۰۱۷ عملیات اجرایی آن پایان یافت و از سال ۲۰۱۸ آبیاری آن آغاز شده است. این سد که به لحاظ عظمت ۳ برابر بزرگ‌ترین سد ایران یعنی «سد کرخه»^۲ است باعث مهار قابل‌توجهی از آب‌های مرزی بین عراق و ترکیه می‌شود و تأثیرات زیست‌محیطی شدیدی بر مناطق پائین‌دست آن به خصوص حوزه‌های آبی بین‌النهرین و تالاب‌های مرزی بین ایران و عراق می‌گذارد و می‌تواند سبب بروز بحران غذایی در عراق و استان‌های غربی و جنوب غربی ایران گردد. سدسازی‌های بی‌رویه ترکیه در خوش‌بینانه‌ترین حالت ناقص «کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی»^۳ و «بیانیه حقوق جوامع بومی»^۴ شده است. باتوجه به اقلیم ترکیه، غالب قریب به اتفاق سدهای بزرگ این کشور به خصوص سدهای طرح GAP بر روی سرچشمه‌های این دو رود قرار دارند (ناصری و گودرزی، ۱۳۹۹: ۱۱۵).

۲- واکنش‌های سیاسی و حقوقی دولت - کشورها در بهره‌گیری از رودخانه‌های

مشترک

عوارض طبیعی زمین تنها عامل تعیین‌کننده مسیر رودخانه‌ها است و از آنجایی که

1. Ilisu Dam

2. Karkheh Dam

3. The United Nations Convention to Combat Desertification) UNCCD(

4. United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples) UNDRIP(

بستر زمین و پستی و بلندی‌های موجود در آن درگذر زمان بنا به عوامل فیزیکی و جوی از جمله جریان خود رودها دچار دگرگونی می‌گردد، سبب می‌شود تا مسیر جریان رودخانه‌ها نیز تغییر نماید و همین تغییرات در بسیاری مواقع باعث ایجاد چالش‌هایی در بهره‌مندی دولت‌ها از مواهب آن‌ها گردد. علاوه بر این، تغییر شکل و ماهیت دولت‌ها در طول تاریخ و تجزیه شدن امپراتورهای بزرگ به کشورهای مستقل و کوچک‌تر در دوره‌های زمانی مختلف یکی دیگر از عواملی بوده که باعث پدیدار شدن اختلافات ارضی به ویژه در چگونگی تقسیم فواید و حتی جریان بستر رودخانه‌های بین دو یا چند کشور متفاوت شده است (جوادیان و همکاران ۱۳۹۹: ۶۸۸). این موضوعات به خصوص در بعد از جنگ جهانی اول و تجزیه امپراتوری عثمانی از یک سو، استقلال و تشکیل دولت - کشورهای مختلف از دیگر سو، تشدید گردیده و عدم تفاهم اصولی در این خصوص در پاره‌ای موارد باعث شکل‌گیری منازعات سیاسی و حتی نظامی گردیده (محمدی خسروی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۴)، که ملموس‌ترین آن‌ها برای ما می‌تواند، جنگ تحمیلی علیه ایران باشد که بهانه اساسی آن چگونگی تقسیم رودخانه اروند فی‌مابین ایران و عراق باشد.

از آنجایی که در طول دوران رشد و نمو حقوق بین‌الملل نوین که می‌توان دوره معاصر آن را از بعد از انعقاد «معاهده ورسای»^۱ در سال ۱۹۱۹ دانست، اختلافات بین‌المللی متعددی در زمینه حوزه‌های آبی به خصوص رودخانه‌های بین‌المللی به وجود آمده که به روش‌های مختلفی چون شیوه‌های سیاسی که گاهی به مخاصمات مسلحانه و صلح یا آتش‌بس ختم شده و یا به شکل قضایی در قالب آرای دادگاه‌های بین‌المللی حل و فصل گردیده و یا به روش داور، موضوعات مربوطه خاتمه یافته و یا این‌که به شکل پایداری در حالتی بین وجود مشکل و فیصله قطعی برای سالیان متمادی معلق مانده‌اند که در این مختصر نوشتار، سعی می‌شود تا برخی از مهم‌ترین آن‌ها در دو حالت مختلف سیاسی - قضایی (باتوجه به صلاحیت‌های سرزمینی دولت‌ها و کارکردهای سیاسی در ارجاع

1. Treaty of Versailles

موضوعات حقوقی به دادگاه‌های بین‌المللی) و داوری تا آنجایی که به بحث ما مربوط می‌شوند، تشریح گردند.

۱-۲- وضعیت‌های سیاسی و رویه‌های حقوقی - قضایی بین‌المللی

پیرامون بروز چالش‌های سیاسی در روابط بین دولت‌هایی که رودخانه مشترکی دارند، وضعیت‌های متعددی در دنیا وجود دارد که هرچند برخی از آن‌ها با توافق طرفین و از طریق مذاکرات سیاسی و نه حقوقی حل و فصل شده و بر مبنای تصمیمات اجرایی دو یا چندجانبه از یک حقوق مشخص و معلومی تبعیت می‌کنند، برخی دیگر باگذشت سال‌ها همچنان استخوان‌لای‌زخم در روابط سیاسی - اقتصادی و حتی فرهنگی، اجتماعی کشورها در حالت یک مخاصمه سیاسی سرد، لاینحل مانده، اگرچه وجود تضادهای فی‌مابین باعث تیرگی روابط یا قطع آن‌ها نشده است.

نمونه باز چنین وضعیت‌های سیاسی را در موضوع هیرمند می‌توان مشاهده نمود. در «قرارداد پاریس ۱۸۵۷»^۱ که طی آن ایران استقلال قسمتی از خاک خود را تحت عنوان کشور افغانستان به رسمیت شناخت، موردتوجه قرارگرفت و انگلستان به‌عنوان داور و میانجی براساس قرارداد منعقد در خصوص شیوه‌های بهره‌برداری از رود هیرمند انتخاب شد. اگرچه دو بار میانجی‌گری آن‌ها بی‌نتیجه ماند و درنهایت در سال ۱۹۳۷ دو قرارداد کوهک و کابل بین طرفین امضاگردید که به دلیل ساخت سد کجکی توسط افغان‌ها در سال ۱۳۵۱ مجدداً قرارداد دیگری بین دو طرف منعقد شد، تاکنون افغانستان به مفاد هیچ‌یک از آن‌ها به‌طور اساسی و کامل عمل ننموده و حقایق هیرمند برای ایران همچنان یک چالش سیاسی در روابط آن‌ها محسوب می‌گردد (عنابی، علیرضا، ۱۳۹۱: ۶). چنین وضعیت‌هایی باتوجه‌به پیش‌بینی بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی دنیا که براین باور هستند، در آینده اکثر جنگ‌های بشر بر سر منابع آبی خواهد

1. Treaty of Paris(1857)

بود؛ دوام نخواهد آورد. هم چنان که وقتی مشکلات و اختلافات مرزی بین ایران و عثمانی پس از فروپاشی و تجزیه آن به اختلافات مرزی ایران - ترکیه و ایران - عراق تغییر شکل داد. «در خاتمه جنگ جهانی اول و به دنبال شکست آلمان، امپراتوری وسیع عثمانی تجزیه شد و از سه استان بغداد و موصل و بصره کشور مستقلی بنام عراق تأسیس گردید و مواردی که تا این زمان موضوع مذاکرات و اساس مناسبات سیاسی ایران و عثمانی را تشکیل داده بود، با سوابق تاریخی قدیم خود از این به بعد در چارچوبی نو بار دیگر میان ایران و عراق مطرح گردید» (مشایخ فریدونی، آزر می دخت، ۱۳۶۹: ۱۰۷). در این میان موضوعات مرزی به خصوص در مورد اروندرود منجر به چند تفاهم نامه و دو موافقت نامه مرزی در سال های ۱۹۶۱ و ۱۹۷۵ گردید و آخر الامر نیز باعث شکل گیری جنگ در سال ۱۹۸۰ بین ایران و عراق گردید.

در طول تاریخ پرفراز و نشیب روابط سیاسی پیرامون رودخانه های بین المللی اصول متفاوتی از اصل سرزمینی مطلق تا اصول ارضی مطلق و حق استفاده مشترک بر این روابط و مناسبات سیاسی در سطح دنیا حاکم بوده است، اما «امروزه اصل محدودیت استفاده آزاد از آب ها به عنوان یک اصل کلی و یک واقعیت جهان کنونی پذیرفته شده است. بررسی قراردادهای بین المللی، عقاید علمای حقوق بین الملل، احکام دادگاه های بین المللی و تصمیمات متخذه توسط سازمان های بین المللی بیانگر این است که دولت ها دیگر به هیچ وجه اصل حاکمیت ارضی مطلق را قبول ندارند و در مورد رودخانه های بین المللی بر اساس اصل محدودیت استفاده آزاد از آب ها رفتار می کنند» (عنابی، علیرضا، ۱۳۹۱: ۴). اگر در گذشته درگیری و تضاد بین دولت ها معطوف به موضوعات مرزی و سرزمینی یا چگونگی بهره مندی های اقتصادی از رودخانه های بین المللی بود در دوران معاصر و با اهمیت یافتن حفاظت از محیط زیست، این اختلافات علاوه بر موضوعات اقتصادی و سرزمینی غالب اوقات مسائل زیست محیطی را نیز شامل می شوند و با توجه به حساسیت های موجود در زمینه وضعیت های محیط زیستی، دولت ها تمایل دارند در کنار

موضوعات سرزمینی به نوعی چالش‌های سیاسی و اقتصادی بر سر رودخانه‌های مشترک را به مسائل محیط‌زیستی ارتباط دهند و در این بین به نحوی محیط‌زیست از اهمیت ویژه‌ای در روابط سیاسی برخوردار شده است (توحیدی و کیخسروی، ۱۳۹۸: ۴۰۶). «از آنجاکه قواعد حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهده‌ای توسط دولت‌ها به صورت فردی اجرا و تفسیر می‌شوند (تفسیر خودکار یا اجرای خودکار)، جای تعجب نخواهد بود که قواعد مزبور توسط دولت‌های مختلف و به صورت‌های مختلف تفسیر و اجرا شوند. تجربیات نشان می‌دهد که تفسیرهای مختلف از یک قاعده می‌تواند موجب منشأ یک اختلاف بین‌المللی شود. از این رو، استدلال می‌شود که کارآمدی قواعد حقوق بین‌المللی مستلزم وجود یک مکانیسم مؤثر از حل و فصل اختلافات بین‌المللی می‌باشد» (تاناکا، یوشیفومی، ۱۳۹۵: ۶۰۲). با دامن‌دار شدن اختلافات معمولاً با توافق طرف‌های درگیر حل و فصل آن‌ها به مراجع داوری یا قضایی بین‌المللی به ویژه دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع می‌گردد که در بسیاری مواقع آرای صادر شده به عنوان رویه قضایی و گاهی با تبدیل شدن به عرف حقوق بین‌الملل نه تنها رافع اختلاف طرف‌ها می‌گردد، بلکه می‌تواند در پاره‌ای موارد از گسترش دیگر اختلافات مشابه نیز بکاهد.

از سویی دیگر، همراه با موضوعات مرتبط با حفظ محیط‌زیست رشد روزافزون جمعیت و پیشرفت‌های صنعتی باعث گردیده تا نیاز به مصرف آب روزبه‌روز شدیدتر و بیشتر گردد و دولت‌ها همواره تلاش داشته باشند تا سرمایه‌گذاری‌های کلانی بر روی منابع آبی نمایند و این سرمایه‌گذاری‌ها عاملی برای ایجاد تنش و تضاد در رفتارهای سیاسی - اقتصادی دولت‌هایی باشد که دارای منابع آبی مشترک به خصوص رودخانه‌های بین‌المللی هستند. سدها؛ اگرچه برای کشور محل احداث به لحاظ اقتصادی و حتی امنیت غذایی فواید عمده‌ای دارند و در تولید انرژی‌های پاک نقش مهمی ایفا می‌کنند، اما اکنون اثبات شده که از نظر محیط‌زیستی چنانچه برخی اصول علمی در طراحی و جانمایی آن‌ها رعایت نگردد و یا دولت‌ها بدون توجه به معضلات محیطی پیامد آن‌ها به

شکلی بی‌رویه و به لحاظ کمیت تعداد زیادی سد بر روی منابع آبی خود احداث نمایند، می‌تواند تبعات و خسارات جبران‌ناپذیری هم برای خود و هم سایر کشورهایی که جریان رودها به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم بر محیط‌زیست و اقلیم آن‌ها اثرگذار است، ببار آورد.

علاوه بر بروز پدیده‌های مخرب زیست‌محیطی، وجود سدها می‌تواند باعث ایجاد دگرگونی بر اقلیم پائین دست آن‌ها شده و چنانچه رودخانه به جز کشور محل سد در دیگر کشورها نیز واجد اهمیت حیاتی باشد اسباب نارضایتی و حتی ایجاد معارضات حقوقی، سیاسی و اقتصادی متعددی در روابط کشورها گردد. وجود چنین نگرانی‌هایی سبب شد تا در سال ۱۹۹۷ بانک جهانی^۱ با مشارکت و همکاری تنگاتنگ «اتحادیه جهانی حفاظت از محیط‌زیست»^۲ کمیسیون جهانی چندجانبه‌ای را تحت عنوان «کمیسیون جهانی سدها»^۳ تشکیل دهد. این «کمیسیون موظف است اثربخشی توسعه سدها را بررسی کند و دستورالعمل‌های قابل قبول بین‌المللی برای برنامه‌ریزی، ساخت و بهره‌برداری از سدها تدوین کند. این کمیسیون، دریافت درحالی‌که سدها سهم مهم و قابل توجهی در توسعه انسانی داشته‌اند و منافع حاصل از آن‌ها قابل توجه بوده، در بسیاری از موارد هزینه غیرقابل قبول و اغلب غیرضروری برای تأمین این مزایا به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و مهاجرت توسط جوامع پایین دست، مالیات‌دهندگان و محیط طبیعی پرداخت شده است» (Dams on Commission World The, ۲۰۲۲, par ۳).

علی‌رغم این تعارضات زیست‌محیطی و حتی سیاسی - اقتصادی، دولت‌ها هم در ارتباط با جوامع خود و هم با کشورهای تحت تأثیر رودخانه‌های بین‌المللی بالاخص کشورهای پائین دست سدها، متأسفانه «در طراحی و اجرای پروژه‌های سدسازی به آثار زیست‌محیطی سدها توجه چندانی ندارند. فقدان قوانین و مقررات بین‌المللی در

1. World Bank

2. International Union for Conservation of Nature) IUCN(

3. The World Commission on Dam) WCD(

خصوص تعهدات ناظر بر فرایند سدسازی و استناد دولت‌ها به دکترین حاکمیت مطلق سرزمینی^۱ بیش‌ازپیش به این‌کم توجهی دولت‌ها دامن زده است» (توحیدی، کیخسروی، ۱۳۹۸: ۳۸۶). بر همین اساس و باتوجه‌به نبود مقررات و قواعد حقوقی خاصی در چگونگی بهره‌برداری و استفاده از منابع آبی رودخانه‌های بین‌المللی خواه رودخانه‌های مرزی یا هم‌جوار^۲ و یا رودخانه‌های پی‌درپی (متوالی)^۳ در غالب کشورهای داری چنین منابع آبی شاهد تضادهای حقوقی، اقتصادی، سیاسی و حتی در پاره‌ای مواقع فرهنگی و قومی بوده‌ایم. گذشته بر دامنه‌دار بودن این اختلافات و حتی بروز مخاصمات سیاسی و نظامی بین‌المللی، یکی از بحث‌های ریشه‌دار و پرچالش حقوقی در دیوان بین‌المللی دادگستری، مذاکرات سیاسی و دیوان‌ها و دادگاه‌های داوری بین‌المللی همین موضوع استفاده از منابع آبی مشترک و رودخانه‌های بین‌المللی بوده است. نظر به گستردگی ابعاد آن‌ها سعی می‌شود به چند مورد مهم که در شکل‌گیری عرف یا بسط حقوق بین‌الملل هم از منظر عمومی و هم محیط‌زیستی نقش داشته‌اند، اشاره شود.

۱-۲-۱- قضیه گابچیکو - ناگیماروس (اختلاف بین مجارستان و اسلواکی)^۴

منشأ بروز این اختلاف قرارداد منعقد در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۷ فی‌مابین کشورهای مجارستان و چک‌اسلواکی بود که بعد از انعقاد قرارداد و تجزیه کشور چک‌اسلواکی به دلیل آنکه سد گابچیکو در جمهوری اسلواکی قرار می‌گرفت، اختلاف‌ها از طریق دولت‌های مجارستان و اسلواکی به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع گردید. براساس قرارداد ۱۹۷۷ که یک سال پس از انعقاد آن اجرایی گردید، قرار بود سد ناگیماروس^۵ در مجارستان و سد

1. Absolut Territorial Sovereignty

2. Boundary Rivers

3. Successive Rivers

4. Case Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), (ICJ Reports, 1997, Available at 4 Aug 2022 on <https://www.icj-cij.org/en/case/92/>

5. Nagymaros Dam

گابچیکو^۱ در اسلوواکی با مشارکت دو دولت بر روی رودخانه دانوب^۲ احداث شود. اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و سقوط دومینووار کشورهای کمونیستی، مجارستان از استمرار فعالیت استنکاف ورزید و اسلوواکی نیز اقدام به اجرای طرح واریانت C^۳ نمود. بروز این اختلافات سبب شد دو کشور از دیوان بخواهند تا فی مابین آن‌ها قضاوت نماید (Füst, HA, ۱: ۲۰۰۳).

اجرای طرح واریانت C باعث شد تا تالاب‌های منطقه خشک شده و قسمت‌هایی از مراتع و جنگل‌ها نیز خشک شوند و آلودگی منابع آبی حادث گردد. در نهایت دیوان بین‌المللی دادگستری در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ اظهار نمود که مجارستان با قطع پیگیری اجرای پروژه، قرارداد ۱۹۷۷ را نقض نموده و این نمی‌تواند با توجیهات ملاحظات زیست‌محیطی پوشش داده شود. اما از طرفی دیگر، اسلوواکی نیز محق نبوده تا با دستاویز نقض قرارداد توسط مجارستان اقدام به محروم نمودن آن کشور از "سهم معقول و منصفانه"^۴ از رودخانه دانوب به واسطه اجرای طرح واریانت C نماید (توحیدی، کیخسروی، ۱۳۹۸: ۳۸۹)، و حکم نهایی نیز بی‌اعتباری فسخ قرارداد از سوی مجارستان بود و پروژه می‌بایست بدون طرح اسلوواکی به سرانجام برسد. «پانزده قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری با وظیفه دشوار تعادل بین حقوق معاهدات و نیاز روزافزون به حفاظت از محیط‌زیست روبرو بودند. سختی این وظیفه آنجا بیشتر شد که ممکن بود برخی از آثار مخرب زیست‌محیطی پروژه اکنون دیده نشود؛ ولی در سال‌های آتی رفع اثرات مخرب

1. Gabčíkovo Dam

2. Danube River

۳. طرح واریانت سی (C Variant) که از طرف اسلوواکی پس از توقف پروژه توسط مجارستان تأیید و عملیات اجرایی آن در سال ۱۹۹۱ آغاز شده بود به عنوان راهحل موقتی اسلوواکی در مذاکرات فی‌مابین آن‌ها پیشنهاد شده بود. به این ترتیب که اسلوواکی به طور موقت و یک‌جانبه رودخانه دانوب را به طول ۱۰ کیلومتر در کشور خودش منحرف نماید و مجدداً آن را به مسیر اصلی متصل کند. این موضوع هم سبب قطع جریان آب در برخی مناطق مجارستان میشد و هم به محیط‌زیست لطمه وارد میکرد.

4. Equitable and Reasonable Share

برگشت‌ناپذیر باشد. دیوان نمی‌توانست بابت خساراتی که هنوز محقق نشده بودند مسئولیتی بر اسلوکی تحمیل کند [اما در عمل] به‌طور جدی در برخورد با این مسئله برای پیشبرد قوانین بین‌المللی محیط‌زیست، قدرت خود را به خطر انداخت» (Naka-michi, Mari, ۳۷۱: ۲۰۱۷). این قضیه به دو دلیل در رویه قضایی حقوق بین‌الملل حائز اهمیت است. اول آنکه اولین رأی دیوان در خصوص پرونده‌ای با ماهیت محیط‌زیستی بود و در رأی خود به محیط‌زیست توجه نموده بود، هرچند به شکل اساسی در حکم به آن پرداخته نشد. دوم؛ در این پرونده دیوان به تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در حوزه سدسازی اشاره نموده و از آن‌ها خواسته بود تا سهم معقولانه و منصفانه همدیگر را مراعات نمایند.

۲-۲-۱- سدگات^۱، اختلاف کانادا و آمریکا ۱۹۶۸

این مورد یکی از قضایای خاص طرح‌شده در هیئت داورى پیرامون اختلاف در منابع آبی دو کشور است که طی آن به حقوق اشخاص حقیقی و الزام به جبران خسارت آن‌ها پرداخته شده است. بنا به پیشنهاد دولت کانادا به آمریکا در سال ۱۸۷۴ در خصوص احداث سربر روی رودخانه مشترک سنت لورنس^۲ برمی‌گردد که دولت آمریکا در سال ۱۹۰۳ مشروط به آنکه احداث سد مذکور تأثیری بر روی سطح آب دریاچه‌های وابسته به رود سنت لورنس نگذشته، منافع دولت آمریکا را به خطر نینداخته و اگر در اثر عملیات اجرایی و ساختمان‌سازی خسارت و زیانی متوجه منافع مالکان اراضی اتباع آمریکا در جزیره لس‌گوپس و یا شهرهای دیگر آن کشور گردد، دولت کانادا موظف به پرداخت خسارت به آن‌ها باشد. وجود این سد در سال‌های ۱۹۵۱-۱۹۵۲ باعث بروز سیلاب و خسارت به شهرهای آمریکاکه در امتداد رودخانه بودند، گردید.

1. Gut Dam

2. Saint Lawrence

در سال ۱۹۶۵ بر مبنای موافقت‌نامه‌ای که فی‌مابین دو دولت در خصوص ارجاع موضوع به هیئت داورى منعقد گردید، موضوع به آن هیئت ارجاع و در نهایت رأی دیوان داورى در ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۸ صادر شد. در این رأی آمده بود که سدگات در ادامه رویه‌های قضایی بین‌المللی است که دولت‌های آسیب‌زننده بایستی جبران خسارت نمایند و با تفسیر مضیق از قرارداد ۱۹۰۳ می‌توان استنباط نمود که هر نوع ضرر و زیانی که ناشی از سدگات باشد تنها از سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۵۶ [یعنی سال‌هایی که به نوعی عملیات ساختمانی و تعمیرات سد توسط دولت کانادا صورت گرفته بود]، توسط دولت کانادا قابل پرداخت است. اما تفسیر موسع قرارداد می‌تواند چنین باشد که هرگونه ضرر و زیان ناشی از ساخت سدگات در طول دوره ساخت و بعد از آن باید پرداخت شود. قسمت اول مبنی بر قواعد قراردادی و قسمت دوم مبنی بر قواعد عرف بین‌المللی است (پورهاشمی، ارغند، ۲۰۲۰: ۱۳۹۲).

۳-۲-۲- قضیه دریاچه لانوکس^۱، اختلاف اسپانیا و فرانسه ۱۹۵۷

دریاچه لانوکس در کوه‌های پیرنه^۲ در کشور فرانسه قرار داشته و همه رودخانه‌های حوزه آبریز آن نیز واقع در خاک این کشور است و تنها چیزی که منافع این دریاچه را به کشور اسپانیا مرتبط می‌کند، رود فونت‌ویو^۳ است که یکی از منابع و سرچشمه‌های اصلی رودخانه کارول^۴ می‌باشد که رود مشترک این دو کشور به حساب می‌آید و شیوة حاکمیت بر اصل و منافع آن نیز در قراردادهای مرزی دو کشور به خصوص قرارداد بایون^۵ ۱۸۶۶ و یک سند الحاقی به آن مشخص شده است. موضوع اختلاف از آنجایی شروع گردید که دولت

1. Lack Lanoux Case
2. The Pyrenees Mountains
3. The Fontvieue River
4. The Carol River
5. Treaty of Bayonne 1866

فرانسه تصمیم گرفت به منظور بهره‌برداری هیدروالکتریکی از آن دریاچه، اقدام به انحراف آب آن به رودخانه اریژا نموده و از سمت دیگر توسط تونل آب آن را مجدداً به دریاچه برگشت دهد.

دولت اسپانیا با این تصمیم فرانسه مخالفت نمود و اظهار داشت چنین اقدامی سبب کاهش دسترسی آن کشور از منابع آبی دریاچه شده و می‌تواند آثار مخرب و نامطلوبی بر حقوق و منافع اسپانیا داشته و در تضاد با قرارداد بایون و سند الحاقی به آن است. در نتیجه، این اختلاف بر مبنای توافق ۱۹ نوامبر ۱۹۵۶ به دیوان داوری ارجاع شد. دیوان در رأی خود بر این اصل تأکید نمود هر چند اقدام فرانسه مغایر با مقررات قرارداد بایون و سند الحاقی آن نبوده است، ضمن رعایت اصل حاکمیت دولت‌ها بر منافع خویش، ابراز عقیده نمود که بر اساس اصل حسن‌نیت، دولت بالادست متعهد است به مراعات منافع درگیر طرف مقابل و ملاحظه رضایت دولت مقابل در خصوص اجرای منافع خود، همین‌طور دولت مجری طرح می‌باید منافع مالکین اراضی ساحلی دولت مقابل را مدنظر قرار دهند (پورهاشمی، ارغنده، ۱۳۹۲: ۱۹۸).

۳- کنوانسیون‌ها، رژیم حقوقی حاکم و تأثیرات نامطلوب سدسازی‌های ترکیه

براجتماعات انسانی سایر کشورها

در تمامی موارد ذکر شده در صفحات قبلی پیرامون رودخانه‌های بین‌المللی آنچه که همواره مورد اختلاف بوده، چگونگی تأمین منافع کشورهای پایین‌دست رودخانه‌ها از منابع آبی و منافع اقتصادی - اجتماعی از این منابع پس از اعمال تغییرات در کارکردها و وضعیت‌های طبیعی آن‌ها بوده که در این خصوص با توجه به کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی که ترکیه نیز عضو پاره از آنهاست، رژیم حقوقی خاصی تجویز شده است. از این میان می‌توان به شکلی اختصاصی از ماده (۱) کنوانسیون بیابان‌زایی که در آن بر عدم

تخریب سرزمینی ناشی از فعالیت‌های انسانی تأکید شده، ماده (۵) کنوانسیون مربوط به تالاب‌های مهم بین‌المللی، به‌ویژه تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی (کنوانسیون رامسر) ۱۹۷۱ که در آن تأکید گردیده برای بهره‌برداری از مواردی که یک حوضه آب بین چند کشور تقسیم شده کشورها برای فعالیت‌های خود بر روی آن حوضه بخصوص در بالاست با هم مشورت نمایند، ماده (۵) کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۳^۲ که در کشورها مکلف‌اند برای حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی با هم همکاری کنند از جمله قواعد حقوقی بین‌المللی در این زمینه هستند.

«علاوه بر معاهدات حقوق بشری و زیست‌محیطی، مجموعه‌ای از موافقت‌نامه‌های مشترک در مورد مسائل آب رودخانه‌های دجله و فرات شامل توافقنامه لوزان، پروتکل ترکو - فرانکو، پروتکل همکاری‌های فنی و اقتصادی و پیمان دوستی و مودت که از سال ۱۹۲۰ بین سه کشور ترکیه، عراق و سوریه به‌صورت دوجانبه وجود دارد که در تمام آنها به‌گونه‌ای بر ضرورت همکاری و مشورت در خصوص استفاده و طرح‌های موردنظر روی رودخانه‌های دجله و فرات موافقت کرده‌اند. به‌عنوان مثال طبق ماده ۱۰۹ توافقنامه لوزان، ترکیه باید قبل از انجام کارهای هیدرولوژیکی با دولت عراق مشورت کند (ESCWA, ۲۰۱۳:۲۶۲) که با توجه به نقض گسترده این تعهدات، مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه آشکار است» (رضایی و جلالیان، ۱۴۰۱: ۷۱).

در خصوص معاهدات و کنوانسیون عام پیرامون موضوعات محیط‌زیستی با رویکرد رودخانه‌های بین‌المللی، در میان کشورهای حوزه آبریز رودخانه‌های دجله و فرات، ترکیه در کمیسیون بین‌المللی سازمان ملل متحد پیرامون استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراهه‌های بین‌المللی^۳ که در سال ۱۹۹۷ تشکیل گردید رأی منفی داد و معتقد است که

1. Ramsar Convention on Wetlands of International Importance Especially as Water-fowl Habitat, Ramsar Convention (1971)

2. Convention on Biological Diversity (CBD) 1993

3. The UN Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Wa-

مفاد و قواعد ناشی از آن کنوانسیون بر ترکیه اعمال نمی‌شود و برای آن کشور لازم‌الاجرا نیستند (E.G, Gruen, ۲۰۰۰: ۱۲۳). درحالی‌که اگر به ماهیت این کنوانسیون توجه شود، به وضوح می‌توان دریافت که پیرامون مسائل حقوقی مرتبط با محیط‌زیست دریاچه‌ها و آبراهه‌های بین‌المللی شامل پاره‌ای از اصول کلی حقوقی است که رعایت آنها به عنوان قواعد عام شمول بر همه تابعان حقوق بین‌الملل فرض است و ادعای ترکیه در خصوص لازم‌الاجرا نبودن قواعد آن برای کشورش نمی‌تواند قابل قبول برای دیگر کشورها باشد به ویژه اگر در اثر عملکردهای غیرمسئولانه دولتی طبق صلاحیت سرزمینی اش حقوق بشر در سطحی فراملی و با آثار بین‌المللی و منطقه‌ای مورد تعرض جدی قرارگیرد.

بی‌شک مردمی که قرن‌ها و نسل‌ها در کنار رودخانه‌ها زیسته‌اند در طولانی مدت اقتصاد، فرهنگ و حتی کنش‌های اجتماعی خود را بر اساس آورد آب رودخانه بنا نهاده و چندین نسل زندگی و حتی شکل شهرها، روستاها، خانه و کاشانه خویش را بر مبنای فرایندها و چرخه طبیعی رودخانه و منابع آبی آن پی‌ریزی نموده‌اند. به همین سبب هرگونه تغییر جدی در این خصوص علاوه بر این که باعث برهم خوردن سامانه و چرخه طبیعی زندگی آن‌ها می‌گردد باعث تغییر اقلیم آن سرزمین شده بدان حد که به طور ماهوی و بنیادین زندگی و امنیت اجتماعی افراد پیرامون آن نواحی را دچار دگرگونی و انحراف عمیق می‌کند. «طبق گزارش کمیسیون جهانی سدها، سدهای بزرگ در شش دهه گذشته حدود ۴۰ تا ۸۰ میلیون نفر را از سرزمین خود آواره کرده‌اند، جوامع بومی، قبیله‌ای و دهقانی از جمله آسیب‌دیدگان هستند که این لشکر پناهندگان سد در اکثر موارد از نظر اقتصادی، فرهنگی و روانی ویران شده‌اند... میلیون‌ها نفر از بیماری‌هایی که سدها و پروژه‌های آبیاری در مناطق گرمسیر به ارمغان آورده‌اند، رنج می‌برند و کسانی که در پائین دست سدها زندگی می‌کنند از تغییرات هیدرولوژیکی^۱ سدها به رودخانه‌ها

tercourses) ILC(1997 ,

1. Hydrological

و اکوسیستم‌ها^۱ آسیب دیده‌اند. تخمین زده می‌شود ۴۰۰ تا ۸۰۰ میلیون نفر - تقریباً ۱۰ درصد بشریت - در این دسته از افراد آسیب دیده از سدها قرار می‌گیرند (An- & Shelton, ۲۰۱۱: ۳۵, ton).

در این خصوص بنا به اهمیت اساسی دو رودخانه دجله و فرات همین طور قدمت تاریخی آن‌ها، این یک واقعیت انکارناپذیر است که شیوه‌های زیست جوامع اطراف این دو منبع آبی بزرگ در ارتباطی تنگاتنگ با چرخه طبیعی ایجاد شده از میزان آورد آب و شکل فیزیکی جریان رودخانه‌ها بوده به نحوی که هر نوع تغییری به شکلی بنیادین و عمیق زیست انسانی در شهرها و مراکز جمعیتی اطراف آن‌ها را تا شعاع صدها کیلومتر دگرگون نموده و دچار اضمحلال می‌نماید. کمبود منابع غذایی همراه با کاهش سطح زیرکشت مناطق هم‌جوار رودها، خشک شدن تالاب‌ها و آبگیرهای وسیع و متعاقب آن فرسایش خاک و ایجاد بحران گردوغبار، مهاجرت حیوانات به ویژه پرندگان از نواحی پیرامونی مسیر رودخانه و در نتیجه برهم خوردن چرخه غذایی و زیست حیوانات و جانداران، از بین رفتن صنایع و مشاغل در اطراف واکناف نواحی پائین دست این دو رودخانه خارج از مرزهای سیاسی ترکیه، بیکاری و مهاجرت‌های انسانی که سبب ازدیاد جمعیت در مناطق دیگر و برهم خوردن ترکیب جمعیتی شده و به دلیل کاهش چشمگیر تولیدات مواد غذایی در مناطق تحت آبیاری آن‌ها که به سایر نقاط صادر می‌شده، حتی به مناطق مهاجرپذیر عملی برهم زدن امنیت غذایی می‌گردد. «احداث این سدها بر روی سرچشمه‌های اصلی رود دجله و فرات و کاهش جریان آب سرازیر شده به سوی زمین‌های کشاورزی در پایین دست، نه تنها در دستیابی به هدف مدنظر مؤثر نبوده؛ بلکه این عامل به بیکاری کشاورزان، مهاجرت اجباری و مشکلات عدیده اجتماعی از جمله فقر، مهاجرت و افزایش میزان آمار جرم و جنایت منجر شده است» (رشیدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۵). ازدیاد بیماری‌های واگیردار و بروز اپیدمی و حتی پاندمی‌های مصیبت‌بار، در نهایت، می‌تواند

اسباب بروز یک فاجعه انسانی را در آینده‌ای نه‌چندان دور رقم بزند که پیامد آن می‌تواند از بین رفتن برخی اقوام و گروه‌های بومی و قدمت دار موجود در کشورهای سوریه، عراق و ایران باشد.

به جز این موارد، شکل‌گیری پدیده ریزگردها و گسترش آن به مناطقی هزاران کیلومتر دورتر از مصب و مسیل رودخانه‌های یاد شده، همین‌طور خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌های بزرگ و کوچک طبیعی که نقش پررنگی در جلوگیری از گرمایش زمین داشته‌اند، می‌تواند فرایندها و تبعات زیان‌باری باشند که با دست‌به‌دست هم دادن عوامل متعدد مخرب، باعث شوند تا وضعیت زندگی در مناطق وسیعی از خاورمیانه را دچار اختلال نماید.

۴- مسئولیت‌های بین‌المللی دولت ترکیه در مورد تبعات حقوق بشری

سدسازی‌ها

«از دیدگاه تدوین‌کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد مربوطه، انسان به‌صرف انسان بودن، صرف‌نظر از هرگونه تعلقی از حیث نژاد، جنس، مذهب، زبان و غیره محترم بوده و فارغ از قید بندگی است. هیچ یک از تعلقات مزبور، موجب تبعیض در اعطا و اعمال حقوق و آزادی‌های او نمی‌شود. فرق نمی‌کند این ویژگی را خواست خداوند خالق انسان و موهبت او بدانیم، و... یا این حقوق را حقوق طبیعی و فطری انسانی و نشأت گرفته از وجود انسان، بودن توجه به خالق و آفریدگار او، بدانیم» (مهرپور، ۱۳۸۷: ۳۰۷).

یکی از اصلی‌ترین و بارزترین حقوق ذاتی انسان‌ها حق بهره‌مندی از مواهب طبیعی است که به سبب انسان بودن و زندگی بر روی کره خاکی از بدو تولد حق استفاده و بهره‌مندی مشترک و علی‌السویه از آن‌ها را به همراه سایر افراد دارا می‌باشد. این عوامل که از قضا نیازهای اولیه و پایه‌ای انسان مثل دریافت اکسیژن از هوا، قرارگرفتن در فضایی خاص بر روی زمین، تأمین خوراک، پوشاک و سرپناه است، بلاواسطه در ارتباط مستقیم

با منابع طبیعی^۱ و محیط پیرامونی آن می‌باشد که بنا به اقتدار دولت‌ها در جغرافیای سرزمینی و سیاسی، در ید قدرت آن‌ها بوده و باتوجه به عدم مرز پذیری محیط زیست؛ طمع، در استفاده‌های بیش از حد و یا استفاده ناعادلانه از آن‌ها و یا دخل و تصرف‌های زیان‌بار، موجب می‌شود حقوق انسانی و ذاتی برخی دیگر از دولت‌ها و ملت‌ها از آن‌ها سلب شده و یا حداقل خدشه دار گردد.

«متأسفانه؛ مقررات و قواعد یا به عبارتی تکالیف انسان در برابر این نعمات خدادادی هنوز ناقص و ناکافی است و همین نقص باعث گردیده تا با افزایش نفوس و به تبع آن افزایش تعداد متقاضیان به بهره جستن از مواهب محیط زیستی، دخل و تصرف و در پی آن بروز آسیب و خسارت به پایه‌ای فزونی یابد که باعث شکل‌گیری عوامل تهدیدکننده جدید و جدی برای حیات انسان‌ها شود. گرم شدن زمین، آب شدن یخ‌های قطبی، تغییرات اقلیمی، کاهش سطح منابع آب شیرین از یک سو و بالا آمدن آب دریاها از سوی دیگر، بروز و فراگیری پدیده طوفان‌های گرد و خاک، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی و امثالهم که متأسفانه در ۵۰ سال اخیر به خصوص دهه آغازین قرن ۲۱ با شدت هرچه تمام‌تر در حال لطمه به سلامت انسان‌ها هستند» (رنجبرزاده و جلالیان، ۱۴۰۰: ۵۴۵).

در این میان گاهی اوقات برخی از دولت‌ها به منظور حصول به منافع اقتصادی و رفع چالش‌هایی که در حوزه منابع طبیعی داخلی خود دارند بدون توجه به این که منابع در دسترس آن‌ها در مشارکت با سایر دولت‌ها و ملت‌هاست، اقدام به دست‌کاری‌های زیان‌بار محیط زیست یا استفاده ناعادلانه از آن‌ها می‌نمایند. اگرچه هم در منشور ملل متحد و هم در پاره‌ای از قطعنامه‌های مجمع عمومی به طور خاص بر "اصل حاکمیت بر منابع طبیعی"^۲ کشورها تأکید شده، ولی این امر مغایر با مسئولیت دولت‌هاست چنانچه به شکلی غیرمنصفانه و غیرعادلانه از این منابع در دسترس خود که در مشارکت با دیگر

1. Natural Resources

2. The Principle of Sovereignty Over the Natural Resources

ملت‌ها و نسل‌هاست، استفاده نماید^۱ و یا با مدیریت غیراصولی و ناصحیح باعث بروز خسارت و اتلاف آن‌ها شود.

هرچند در اوایل قرن ۲۰ ام با توجه به نوپا بودن حقوق بین‌الملل به خصوص در دو نسل اول و دوم از ترمینولوژی^۲ حقوق بشر به موضوعات مشارکت دولت‌ها در استفاده صحیح و عادلانه از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست چندان پرداخته نشده و هنوز رگه‌هایی از تعصبات قیم‌مآبانه کشورهای قدرتمند در بهره‌برداری از معادن و ذخایر معنی غنی کشورهای آفریقایی و آسیایی در اجلاس‌های بین‌المللی و حتی مجامع بین‌المللی وجود داشت، اما این موضوع دیری نپایید و. برای اولین بار می‌توان ردی از نسل سوم حقوق بشر را در "منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها"^۳ یافت. در این منشور حقوق مردم یا ملت که نسل سوم حقوق بشر نامیده می‌شود، «حق در اختیار داشتن آزادانه ثروت و منابع طبیعی هر ملت و بهره‌برداری از آن‌ها و منع استثمار خارجی و انحصارات داخلی... است. حق توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و برخورداری مساوی از میراث مشترک بشریت، حق صلح و امنیت ملی و بین‌المللی و حاکمیت روابط دوستانه و همکاری بین ملت‌ها و محیط زیست سالم نیز در زمره حق ملل شمرده شده است» (مدنی، سید جلال، ۱۳۸۷: ۱۰۸). با پیشرفت حقوق بین‌الملل و گسترش سازمان‌های بین‌المللی حامی محیط زیست و جوامع انسانی محروم در کشورهای کمتر توسعه یافته، کم‌کم بحث مسئولیت‌های بین‌المللی دولت‌ها در چگونگی استفاده از منابع طبیعی، کارکردهای زیست‌محیطی و شیوه‌های بهره‌مندی از میراث مشترک بشریت، همچنین منابع طبیعی

۱. در حقوق بین‌الملل معاصر پیرامون حاکمیت ملت‌ها بر منابع طبیعی‌شان چندین جا بحث شده است. پاراگراف‌های دوم و چهارم مقدمه‌ی منشور آنجایی که از همکاری‌های اقتصادی و روابط دوستانه‌ی بین ملت‌ها صحت می‌شود، همین طور مفاد (۵۵) و (۷۴) آن که به فراهم آوردن زمینه‌های صلح بین‌المللی می‌پردازد. به علاوه در قطعنامه‌های ۵۲۶ ژانویه ۱۹۵۲، ۶۲۶ دسامبر ۱۹۵۲، ۸۳۷ دسامبر ۱۹۵۴، ۱۸۰۳ دسامبر ۱۹۶۲ و نیز به موضوع حاکمیت ملت‌ها بر منابع طبیعی خود اشاره شده است.

2. Terminology

3. African Charter on Human and People Rights.

مشترک؛ گسترده گردید و پای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در پرونده‌های محیط‌زیستی همین‌طور نحوه استفاده از منابع طبیعی به خصوص منابع و حوزه‌های آبی مشترک باز شد.

«موضوعات حقوقی که در زمان پرداختن به بحث مسئولیت دولت پیش می‌آید، عموماً مشابه بحث مسئولیت مدنی هستند، اگرچه دامنه فعالیت‌هایی که می‌تواند دولت را در قبال آنان مسئول شناخت بسیار گسترده‌تر است. موضوعاتی که مورد توجه خاص هستند شامل مسئولیت بروز آسیب‌های زیست‌محیطی در خارج از قلمرو ملی و موضوع محدود کردن مسئولیت دولت از نظر مالی (در صورت وجود) و افتراق مسئولیت آسیب به محیط زیست یک دولت و آسیب به منابع مالی دولت مذکور. در سال‌های آتی، نهادهای مسئول پرداختن به چنین موضوعاتی همچنین موارد مشابه، بر عهده کمیسیون حقوق بین‌الملل و دیگر مجامعی خواهد بود که شدیداً برای تعریف رابطه مسئولیت مدنی و مسئولیت دولت، تحت فشار قرار دارند. محتملاً نهادهای دیگر مانند کنفرانس اعضای کنوانسیون تغییرات اقلیمی ۱۹۹۲ و به احتمال بیشتر دادگاه و دیوان‌های بین‌المللی تبدیل به تریبون بررسی دولت‌ها برای چالش‌های زیست‌محیطی جدید خواهند بود» (طیبی و شیرازیان، ۱۳۹۸: ۱۴۰).

ایجاد سدهای متعدد دولت ترکیه بر سرچشمه‌های اصلی دو رودخانه دجله و فرات که رودخانه‌های بین‌المللی و مشترک با ۴ کشور ترکیه، سوریه، عراق و ایران هستند، بدون هماهنگی، اعلام برنامه‌های عملیاتی و بهره‌برداری و کسب رضایت آن‌ها علاوه بر این که به لحاظ حقوق بین‌الملل مغایر با عرف و رویه‌های قضایی و داوری بین‌المللی است، سبب گردیده تا از منافع مشترک هر ۴ کشور به صورتی غیرمنصفانه و ناعادلانه یک‌جانبه بهره‌برداری نماید و گذشته بر همه این مسائل باعث سلب بسیاری از حقوق اولیه افرادی گردد که در قالب اجتماعات انسانی در کشورهای پائین دست این سدها، نسل‌های متعددی به واسطه مواهب ناشی از این رودها زندگی می‌نموده‌اند.

کاهش میزان ورودی آب این رودخانه‌ها ناشی از ایجاد سدهای متعدد بر منابع اصلی تأمین آب آن‌ها به خصوص رودهایی که به عنوان سرچشمه دجله و فرات شناخته می‌شوند، علاوه بر این که باعث خشک شدن بسیاری از آبگیرهای دائمی و قدیمی پائین دست در کشورهای سوریه، عراق و ایران می‌گردد، در میان مدت می‌تواند سبب بروز پدیده مهاجرت‌های اجباری اقوام و قبایل بومی شود که مدت‌های طولانی در مناطق اطراف دجله و فرات زندگی می‌کرده‌اند. از آنجایی که چنین مهاجرت‌هایی در حکم مهاجرت‌های اجباری تلقی می‌شوند که ناشی از شرایط اسفناک زندگی تحت تأثیر عوامل دولتی بیگانه و غیرمتأثر از خود مهاجرین بوده، می‌تواند ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای دولت خاطی نماید.

۵- نسل سوم حقوق بشر در مقابل فعالیت‌های سدسازی دولت ترکیه

حقوق بشر، ماهیت و گستره بسیار وسیعی از حق حیات، تأمین نیازهای ضروری و زیستن در محیطی امن و سالم با حفظ کرامت انسانی را شامل می‌شود که بسیاری از آن‌ها از طرف دولت به عنوان قدرت عالیه جامعه و کنترل‌کننده بسیاری از مؤلفه‌ها و نیروهای اجتماعی، تأمین می‌شوند. اگرچه اسناد حقوق بشری جامعه جهانی شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین بسیاری از آن‌ها را واضح و مبرهن بیان نموده و سازمان‌های بین‌المللی در برخی مواقع بر علیه آن‌ها همواره در تلاش هستند تا اعمال حقوق بشری در جوامع مختلف را راستی‌آزمایی نموده و از اجرای آن‌ها به نفع افراد بشر اطمینان حاصل نمایند. ولی هستند حقوقی که اگرچه ریشه در ذات انسان دارند و در طول تاریخ همواره برای بهتر و سالم‌تر زیستن وی مورد نیاز بوده‌اند، اما اعلام جهانی آن‌ها و این‌که دولت‌ها در تعهدات داخلی و بین‌المللی هم در

مورد اتباع خود و هم سایر ملت‌ها به صورت قواعدی نرم^۱ و غیرالزام‌آور^۲ آن‌ها را رعایت و اجرایی نمایند، موضع تازه‌ای است که تحت عنوان «حقوق بشر نسل سوم»^۳ خوانده می‌شوند. این حقوق حقوقی مثبت و جمعی هستند که خواهان مسئولیت‌هایی فراتر از دولت - ملت‌ها می‌باشند (Jensen, Steven, ۲۰۲۰: par. ۳).

«برخی مواقع حقوق بشر نسل سوم را حقوق همبستگی^۴ نیز می‌نامند، شاخص‌ترین نمونه‌های چنین حقوقی عبارت‌اند از: حق صلح^۵ حق توسعه^۶ و حق محیط زیست پاک و سالم^۷. هیچ یک از این حقوق در یک سند حقوقی با قابلیت اجرای جهانی، دارای بنیان‌های حقوقی محکمی نیستند... این حقوق نخستین بار در یکی از قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر مطرح شد... در قطعنامه شماره ۵ (XXXV) دوم مارس ۱۹۷۹ کمیسیون حقوق بشر، حق توسعه را به عنوان یک حق بشری مورد تأکید قرارداد. در یک تبیین قاطع‌تر از سوی مجمع عمومی در قطعنامه شماره ۳۶/۱۳۳، ۱۴ دسامبر ۱۹۸۱ حق توسعه به مثابه حق بشری "غیرقابل انتقال"^۸ (سلب ناشدنی) توصیف گردید. نهایتاً مجمع عمومی در قطعنامه ۴۱/۱۲۸، ۴ دسامبر ۱۹۸۶ اعلامیه حق توسعه را پذیرفت» (کریستیان، تاموشات، ۱۳۹۸: ۱۳۹).

سدهای ترکیه با توجه به تأثیرات به شدت مخربی که بر محیط‌های انسانی و جانوری پائین دست که شکل زندگی، فرهنگ، هویت و تأمین نیازهای ضروری در طول تاریخ را همگی مدیون رودخانه‌های دجله و فرات هستند، می‌گذارد؛ عاملی جدی است

1. Soft Laws
2. Non-Binding
3. Third-Generation Human Rights
4. Solidarity Human Rights
5. The Right to Peace
6. The Right to Development
7. The Right to Clean Environment
8. Indi enables

که حقوق همبستگی یا حقوق بشر نسل سوم به‌ویژه حق بر توسعه و حق بر داشتن محیط‌زیست سالم را به‌شدت مخدوش می‌نماید. اگرچه پیرامون حق بر توسعه تاکنون قواعد خاص و مشخصی که بتوان از آن‌ها به‌عنوان الزامات حقوق بین‌الملل نام برد به‌روشنی و وضوح وجود ندارد، اما پیرامون حق بر داشتن محیط‌زیست سالم، وضعیت در چند دهه اخیر متفاوت بوده و تضمین‌های بین‌المللی مشخصی به شکل حقوق نرم وجود دارد که با گسترش معاهدات بین‌المللی، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه را سبب گردد.

یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مرتبط با این موضوع اعلامیه ریو^۱ راجع به محیط‌زیست و توسعه، ژوئن ۱۹۹۲ است که در کنفرانس سازمان ملل درباره محیط‌زیست و توسعه (اجلاس زمین)^۲، تکالیف دولت‌ها در حمایت از محیط‌زیست طبیعی را مورد تأکید قرار می‌دهد. گذشته برای این با توجه به تأیید و ابرام حق بر توسعه و حق بر داشتن محیط‌زیست سالم به‌عنوان مبانی و پایه‌های حقوق بشری در جوامع امروزی، می‌توان اذعان داشت که هرگونه تضادی با این حقوق، دقیقاً نادیده‌انگاشتن و عدم رعایت حقوق بشر، تلقی می‌گردد.

۶- سدسازی‌های ترکیه در تضاد با امنیت انسانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های

اساسی حقوق بشر

«مفاهیم قدیمی امنیت ملی یا نظامی^۳ متمرکز بر دولت و سرزمین هستند که برای بررسی عوامل خطر، تهدید یا تغییر ناگهانی در زندگی روزمره افراد مناسب نیستند؛ اما بسیاری از [عوامل امنیت انسانی] مانند فقر، محیط‌زیست، خطرات، بیماری‌های مسری

1. Rio Declaration

2. United Nations Conference on Environment and Development .UNCED (The Earth Summit)

3. National or Military Security

و فراگیر، بلایای طبیعی و خشونت مبتنی بر جنسیت، عوامل فراملی هستند و یا شامل نیروهای مسلح نمی‌شوند. [این‌ها] خطراتی هستند که طبق حقوق بشر، دلت موظف به پیشگیری یا بهبود آنهاست. چنین تهدیدهایی اغلب در درون یا برون کشورها نامرئی هستند و مفهوم انسانی را با محوریت فرد به جای دولت به عنوان یک امر ممکن ظاهر می‌کنند» (Dorothy, Tanck-Estrada, ۲۰۱۳: ۱).

اگرچه در حوزه امنیت انسانی^۱ بیشتر مباحث مطرح در آن، در اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ و میثاقین^۳ مدنظر قرار گرفته است، اما نمی‌توان این اصل را نادیده انگاشت که در دنیای امروزی با پیچیدگی‌های فراوانش به لحاظ ارتباطات و درهم‌تنیدگی رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، جوامع و دولت‌ها می‌بایست به همان الزامات و تعهدات مندرج در این اسناد بسنده کنند (موسوی شقایب و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۰). بر اساس همین نیاز نیز «برنامه توسعه سازمان ملل متحد»^۴ در گزارش سال ۱۹۹۳ با عنایت به این مفهوم که امنیت صرفاً در مفهوم نظامی درک نمی‌شود، «با انتقاد مجدد از استفاده انحصاری از این واژه در گذشته در امور نظامی، به هفت مؤلفه که از امنیت انسانی استنباط می‌شود، اشاره شد: امنیت غذایی^۵ (رهایی از فقر)، امنیت غذایی^۶ (دسترسی به غذا)، امنیت بهداشتی^۷ (دسترسی به مراقبت بهداشتی و حمایت از بیماران)، امنیت زیست‌محیطی^۸ (حمایت در برابر آلودگی‌ها)، امنیت شخصی^۹ (حمایت فیزیکی در برابر

1. Human Security
2. Universal Declaration of Human Rights
3. International Covenants on Human Rights
4. United Nations Development Program
5. Economic Security
6. Food Security
7. Health Security
8. Environmental Security
9. Personal Security

شکنجه، جنگ و حملات جنایی)، امنیت اجتماعی^۱ (بقای فرهنگ‌های سنتی) و امنیت سیاسی (آزادی و رهایی از سرکوب سیاسی) (Report Development Human, ۱۹۹۴: ۳۶).

یکی از چالش‌های اساسی که در این خصوص حائز اهمیت بوده و تأثیرات نامرئی آن به شدت بر امنیت انسانی مؤثر است، سدسازی‌های متعدد در بالادست حوزه‌های آبریز بین‌المللی است. «سازه‌های ذخیره آب و توسعه آنها برای تطبیق با تغییرات آب‌وهوایی بحث‌برانگیزند و علاوه بر موضوعات فنی، ممکن است نه تنها به جهت تأثیرات زیست‌محیطی بلکه به دلیل جابه‌جایی و از بین رفتن معیشت مردم با مخالفت روبرو شوند؛ بنابراین می‌باید در طراحی و ساخت و بازسازی مؤثر آنها به جای فرصت‌طلبی‌های اقتصادی و اجتماعی، نگرش‌های اجتماعی و مقبولت آنها با امان نظر به این که منابع اکولوژیکی ماهیت پویا دارند، مدنظر مدیران قرار گرفته تا حفاظت و مدیریت آنها با محیط‌زیست و باور شهروندان سازگار گردد... در مصاحبه‌هایی که از افراد آواره شده به دلیل ساخت سد در لهستان انجام شده، این افراد اثرات منفی زیست‌محیطی احداث سدها را بیشتر درک کرده‌اند» (Dopico, E., Arboleya, E., Fernandez, S., al et, ۲۰۲۲: ۲).

با مدنظر قراردادن هفت مؤلفه اعلامی در گزارش برنامه توسعه سازمان ملل از امنیت انسانی، پیرامون تبعاتی که کاهش چشمگیر آورد آب دو رودخانه در سرزمین‌های تاریخی ایران، عراق و سوریه دامن‌گیر افراد انسانی ساکن در بخش‌های عمده‌ای از شمال شرق سوریه (و به تبع آنکه اصلی‌ترین عامل مهاجرت خواهد بود، کل آن کشور)، تمامی کشور عراق (به دلیل عبور رودخانه‌ها از سراسر آن کشور)، و قسمت‌های عمده‌ای از غرب و جنوب غرب ایران (به تبع آثار نامطلوب اقلیمی مثل مهاجرت و گردوغبارها، کل سرزمین ایران)، می‌شود، امنیت انسانی را که در هر سه نسل حقوق بشر و همین‌طور اسناد و گزارش‌های اخیر به شدت بر آن به عنوان اصلی‌ترین مبانی حقوق بشر تأکید شده، را در مخاطره‌ای همه‌جانبه و عمیق قرار می‌دهد.

کاهش تولید به خصوص تولیدات کشاورزی، امنیت اقتصادی و غذایی، خشک شدن نهرهای متصل به رودها، تالاب‌ها و آبگیرهای دائمی و فصلی، مهاجرت جانوران و فرسایش خاک، امنیت بهداشتی و محیط زیست را تهدید می‌کند. فقر ناشی از تهدیدات امنیت اقتصادی و از بین رفتن بسیاری از فرهنگ‌های سنتی به دلیل مهاجرت، امنیت شخصی و اجتماعی و پدیده بروز خشونت به دلیل تهدیدات امنیت شخصی و اجتماعی و کاهش کنترل حکومت مرکزی بر اجتماعات به دلیل نابسامانی‌های ناشی از برهم خوردن عمومی شرایط محیطی در مجاورت رودخانه‌ها و سرزمین‌های تحت تأثیر آن‌ها، امنیت سیاسی افراد را در آینده‌ای نه چندان دور مختل خواهد نمود.

با عنایت به این‌که سدسازی‌های غیرمنصفانه دولت ترکیه و استفاده ناعادلانه از منابع آبی مشترک و رودخانه‌های بین‌المللی که باعث سلب منافع دیگر کشورها می‌شود در عرف بین‌المللی، سابقه قضایی بین‌المللی و دکترین حقوق بین‌الملل همچنین بیانیه‌های متعدد نشست‌های عمومی و کنفرانس‌های بین‌المللی مرتبط با حقوق محیط زیست بین‌المللی بر اساس آنچه در مباحث قبلی این نوشتار بدان‌ها اشاره شد، نوعی فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌گردد. از آنجایی که بر مبنای ماده (۱۲) پیش‌نویس مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال افعال متخلفانه، توسط کمیسیون حق بین‌الملل، ۲۰۰۱ «تعهدات بین‌المللی ممکن است ناشی از یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی، معاهده یا اصل کلی قابل اعمال، در نظم حقوق بین‌الملل باشند. دولت‌ها ممکن است از طریق عملی یک جانبه یک سری تعهدات بین‌المللی را بپذیرند. تعهد بین‌المللی ممکن است از مقررات یک معاهده (تصمیم یکی از ارگان‌های سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار در یک حوزه، رأی صادره بین دو دولت توسط دیوان بین‌المللی دادگستری یا دیوان دیگر و غیره) ناشی شود. ضرورت ندارد که در ماده (۱۲)

1. The Draft Articles on Responsibility of States for International Wrongful Acts with Commentaries 2001 ,

به این احتمالات اشاره شود؛ زیرا که مسئولیت یک دولت با نقض یک تعهد بین‌المللی ایجاد می‌شود و در این رابطه این که منشأ و ماهیت آن تعهد چیست اهمیتی ندارد. عبارت فارغ از منشأ و ماهیت آن به تمام منابع ممکن حقوق بین‌الملل اشاره دارد؛ یعنی تمامی فرایندهای ایجاد تعهدات حقوقی که در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده‌اند» (ابراهیم گل، علیرضا، ۱۳۹۷: ۸۶).

از آنجایی که دولت ترکیه به عنوان یکی از دولت‌های عضو، اسناد بین‌المللی حقوق بشر را امضا و تصویب نموده و در مجموعه‌هایی از معاهدات بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های بیابان‌زدایی، تالاب‌ها، تنوع زیستی، توافقنامه‌های لوزان^۱، پروتکل تورکو - فرانکو^۲، پروتکل همکاری‌های فنی و اقتصادی^۳ عضو بوده و کنوانسیون را تصویب نموده است، هم به لحاظ حقوق بشری و هم محیط زیستی، مسئولیت بین‌المللی در قبال نقض آشکار حقوق بین‌الملل محیط زیست که منجر به نقض فاحش حقوق بشر در کشورهای پائین دست سدها شده، دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. The Lausanne Agreement
2. The turko – French Portocol
3. The Protocol for Technical and Economic Cooperation

برآمد

وضعیت جغرافیایی برخی از کشورها باعث شده سرزمین آن‌ها به عنوان مناطق بالادست رودخانه‌های بین‌المللی، سرچشمه اصلی رودها باشد. این کشورها می‌توانند بنا به صلاحیت سرزمینی که دارند با ایجاد سدهای بزرگ و آب‌بندهای مصنوعی از این وضعیت جغرافیایی بدون توجه به نیازهای آبی سرزمین‌های پائین‌دست به شیوه‌های غیرمنصفانه و ناعادلانه سود خود، استفاده کنند. اما از آنجایی که حقوق بین‌الملل به‌ویژه پس از تشکیل سازمان ملل متحد رشد چشمگیری یافته است، می‌توان امیدوار بود با بهره‌گیری از توان اقناع حقوق بین‌الملل در روابط سیاسی، همچنین تکیه بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اقدام به کاهش تنش‌های آبی - سیاسی نشأت گرفته از این گونه بهره‌برداری‌های یکسویه نمود و ضمن تدوین کنوانسیون‌ها و معاهدات جدید در این خصوص، اقدامات عاجلی را به منظور حفظ حقوق جوامع پائین‌دست منابع آبی انجام داد. کشور ترکیه با احداث سدهای متعدد بر سرشاخه‌های اصلی رودخانه‌های فرات و دجله، سبب گردیده تا آورد آب این دو رودخانه به شکل چشمگیری کاهش یابد. استمرار این وضعیت سبب گردیده، علاوه بر استفاده ناعادلانه از آب، به دلیل ایجاد مخاطرات زیست‌محیطی عمده در کشورهای عراق، سوریه و ایران، موانعی اساسی بر سر توسعه آبی این جوامع شکل گرفته و معضلات اجتماعی متعددی در اطراف واکناف این رودها پدید آید به گونه‌ای که افراد جوامع یادشده از حق بر توسعه که به عنوان یکی از مبانی مهم حقوق بشر امروزی شناخته می‌شود، محروم شوند.

علاوه بر آن؛ این عامل با ایجاد فقر ناشی از عدم تولید، بیماری‌های متأثر از برهم خوردن اکوسیستم طبیعی و ایجاد پدیده گردوغبار، امنیت انسانی را که در همه ادوار تکامل حقوق بشر بر آن تأکید شده، زایل می‌نماید. میزان خسارات وارده بر سرزمین‌های پائین‌دست سدهای ترکیه که بر سرچشمه‌های این دو رودخانه احداث شده‌اند به قدری زیاد است که در پاره‌ای موارد سبب ایجاد مهاجرت دسته‌جمعی مردم از منطقه تاریخی

بین‌النهرین و ماوآء‌النهرین که همپای اولین تمدن‌های بشری قدمت داشته، خواهد شد. از آنجایی که بسیاری از قواعد حقوق بشر در زمره قواعد عام شمول^۱ و قواعد آمره^۲ تلقی می‌شوند و تخطی از آن‌ها باعث ایجاد مسئولین بین‌المللی برای دولت خاطی می‌گردد، می‌توان به فراست دریافت که فعالیت‌های سدسازی ترکیه بر سرچشمه‌های دجله و فرات علاوه بر این که تعادل محیط‌زیست را برهم زده و سبب ورود آسیب جدی بر منطقه‌ای وسیع شده، برگرمایش زمین به شکلی بین‌المللی نیز تأثیر نهاد و با خشکاندن بسیاری از آبگیرها، نهرها و تالاب‌های مهم، هم به حق بر توسعه مردم و هم به حق امنیت انسانی که از اصول مهم و اساسی نسل سوم حقوق بشر هستند به طور جدی تعرض نموده آن‌گونه که شاهد بروز فقر، شیوع بیماری‌های جدید و مهاجرت مردم از برخی مناطق حاشیه رودخانه‌ها در این مناطق هستیم. علاوه بر اینها، سهم عمده‌ای در ایجاد پدیده خطرناک گردوغبارهای شدید که در سال‌های اخیر خاورمیانه را دربرگرفته دارد.

بنابراین؛ کشورهای متأثر از سدسازی‌های غیرمنصفانه ترکیه، بر اساس عرف بین‌الملل، رویه قضایی و دکترین می‌توانند به منظور پاسداشت از حقوق ذاتی افراد تابعه سرزمین خود و تکریم حقوق بشر در سطح بین‌المللی با همکاری سازمان‌های حامی محیط‌زیست، ضمن توجه دادن دولت ترکیه به مسئولیت‌های بین‌المللی خویش به جهت نابودی محیط‌زیست و نقض فاحش حقوق بشر، همکاری‌های بین‌المللی خاصی را جهت توقف فعالیت‌های اجرایی آن دولت و تلاش برای بازگشت وضعیت زیست‌محیطی منطقه به حالت سابق به کارگیرند و از جامعه جهانی به ویژه مجمع عمومی و شورای امنیت به دلیل نقض فاحش و سامان‌مند حقوق بشر همین‌طور اخلاف در روند صلح بین‌المللی به جهت تسریع در ورود انسان‌ها به مخاصمات حتمی که در آینده‌ای نه‌چندان دور بر سر منابع آبی به وجود خواهد آمد، تقاضای رسیدگی نمایند. این مهم

1. Erga Omens

2. Jus Cogens

باتوجه به جمعیت جوامع تحت تأثیر اقدامات دولت ترکیه در سه کشور سوریه، عراق و ایران حائز اهمیت اساسی است و نیازمند ایجاد یک اتحاد سیاسی و انعقاد معاهده همکاری فی مابین این سه کشور می باشد. دولت ترکیه عضو برخی از معاهدات موجد حقوق بین الملل محیط زیست از جمله کنوانسیون های بیابان زدایی، تالاب ها، تنوع زیستی، توافقنامه های لوزان، پروتکل تورکو- فرانکو همچنین پروتکل همکاری های فنی و اقتصادی است که هر یک از این معاهدات آن کشور را متعهد به رعایت اصولی می کند که می تواند به بهبود شرایط موجود در این کشورها کمک نماید. یکی از راهکارهای پیش روی سه کشور متأثر از این عوارض، می تواند تشکیل یک کمیته فنی - حقوقی برای همکاری و مساعدت گرفتن از کنوانسیون های موجود و فشار بر دولت ترکیه برای پیگیری ایفای به تعهدات و مسئولیت های بین المللی آن دولت در خصوص چگونگی استفاده از منابع سدها و رهاسازی آب به شیوه ای منصفانه باشد به طوری که زیان های حاصله به حداقل برسد.

منابع

الف) فارسی

- تاموشات، کریستیان (۱۳۹۸). **حقوق بشر**، (ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی)، تهران: میزان، چ ۲
- طیعی، سبحان و شیرازیان، شیرین (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات زیست‌محیطی، تهران: خرسندی، چ ۲
- علی رضایی و عسکر جلالیان (۱۴۰۱). «مسئولیت بین‌المللی ترکیه ناشی از اجرای پروژه گاپ از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، عسکر جلالیان، **حقوق بین‌الملل محیط‌زیست** چ ۲، تهران: نشر دادگستر، چ ۱
- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد (۱۳۹۷). **مسئولیت بین‌المللی دولت متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل**، (ترجمه: علیرضا ابراهیم‌گل، تهران: شهردانش، چ ۲
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۷). **حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول**، چ ۵، تهران: پایدار.
- مشایخ فریدونی، آزرمی دخت، **مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مناسبات دو کشور**، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹).
- پورهاشمی، سید عباس و ارغند، بهاره (۱۳۹۲). **حقوق بین‌الملل محیط‌زیست**، تهران: دادگستر
- اردو، سارا، «**ساخت سد ایلیسو در ترکیه تضاد با حقوق بین‌الملل**»، وب‌سایت دیپلماسی ایرانی، نشر در ۲۶ خرداد ۱۳۹۲، قابل دسترسی در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۵ در آدرس:

<http://1969520/news/fa/ir.irdiplomacy//>

فاخری، حسن (۲۴ آبان ۱۳۹۶). **گام جدی ترکیه برای مهار آب‌ها، تعداد**

سدهای ترکیه در پنج سال آینده دوبرابر می‌شود، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. قابل دسترس در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۱۱ در آدرس:

<www.irna.ir/news/82731707/تعداد-سدهای-ترکیه-در-پنج-سال-۲>

برابر-میشود>

عنابی، علیرضا (۱۳۹۱). *اصول حاکم بر رودخانه‌های بین‌المللی با تأکید بر موقعیت حقوقی هیرمند*، همایش ملی حقوق بین‌الملل در آینه علوم روز، جهاد دانشگاهی آذربایجان غربی، دوره ۱

اشرف خانه‌ای، علی و رجبی، لیل (۱۳۹۵). *نقش کمیسیون حقوق بین‌الملل در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست*. چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، سن پترزبورگ، روسیه

جوادیان، سیداحمد، ابراهیمی، مجید، شریفیان، سمیرامیس و نژادسلیمانی، حمید (۱۳۹۹). *پیامدهای ژئوپولیتیکی - امنیتی تغییر بستر رودخانه‌های مرزی شمال شرق کشور (مطالعه موردی رودخانه هریرود)*. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، ۳۱ و ۳۱ فروردین، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

توحیدی، احمدرضا و کیخسروی، مهدی (۱۳۹۸). *خلأ معاهداتی: لزوم کنکاش در تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در فرایند سدسازی از دیدگاه حقوق بین‌الملل*، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۱، صص ۴۱۲-۳۸۵.

رنجبرزاده، جواد و جلالیان، عسکر (۱۴۰۰). *خلأ قواعد محیط زیستی در حقوق تجارت بین‌الملل*، دوفصلنامه بین‌المللی تحقیقات حقوق قضایی، دوره ۲، شماره ۲، (۱۴۰۰)، صص ۴۴۳-۴۶۸.

رشیدی، مهناز؛ رستگار، آزاده و علی مشهدی (۱۳۹۲). *منبع تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی فرامرزی در پروژه گاب ترکیه*، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر. سال ۱۲. شماره ۲۲، صص ۱۱۷-۱۴۴.

حدادی، مهدی (۱۳۹۲). *موقف نامه‌های نزاکتی از منظر حقوق بین الملل*، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۳۰، شماره ۴۸، صص ۱۲۹-۱۵۰

موسوی شفاعی، مسعود، نورالهی، یونس، رضایان قیه باشی، احد، یوسفی، حسین و رضایان، علی حسین. (۱۳۹۵). *امنیت انسانی و چالش‌های توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران، با تأکید بر امنیت زیست محیطی*، علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره ۱۸، ویژه‌نامه شماره ۲، صص ۱۶۷-۱۸۰

کاظمی، احمد (۱۴۰۱). *پروژه‌های گاپ و داپ ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل و رسالت رسانه‌ها*، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، سال ۷، شماره ۱، صص ۴۵-۸۵

ناصری، محمد و گودرزی، مهناز (۱۳۹۹). *پروژه سدسازی ترکیه: تهدیدات امنیتی برای غرب آسیا و جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۲۹

محمدی خسروی، اعظم، شاهنده، بهزاد، اطهری، سیداسدالله و هیرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۹). *پروژه آناتولی جنوب شرقی در بستر بحران هویت ملی ترکیه*، فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره ۹، شماره ۲، صص ۸۵-۱۱۶

(ب) انگلیسی

Economic and Social Commission for Western Asia], ESCWA, [Salim Dabous Printing Co., Beirut, Lebanon. (2013) *Inventory of Shared Water Resources in Western Asia*.

ESTRADA-TANCK, Dorothy (2013), *Human security and human rights under international law: reinforcing protection in the context of structural vulnerability*, Florence: European University Institute, EUI PhD theses, Department of Law - <http://hdl.handle.net/1814/28036>

The World Commission on Dams. (2022) *International Rivers*, People, Water, Life Website. Available at 4 Aug. 2022 on: <https://archive.internationalrivers.org/campaigns/the-world-commission-on-dams>

Shelton, Dinah L. and Anton, Donald K.,(2011). ***Problems in Human Rights and Large Dams***. GW Law Faculty Publications & Other Works. 1075 .P .35 .Available at 8 Agu 2022 .on:

>https://scholarship.law.gwu.edu/faculty_publications1075/>

Jensen, Steven.(May 12, 2022). ***Putting to rest the Three Generations Theory of human rights***. Open Global Rights website. Available at 12 Aug. 2022 on: < <https://www.openglobalrights.org/putting-to-rest-the-three-generations-theory-of-human-rights/>>

He, C., Liu, Z., Wu, J. et al. (2021) ***Future global urban water scarcity and potential solutions***. Nat Commun 12, 4667. Available at 12 Aug. 2022 on: <<https://doi.org/10.1038/s41467-021-25026-3>>

Fürst, H A.(2003). ***The Hungarian-Slovakian Conflict over the Gabcikovo-Nagymaros Dams: An Analysis***. Institute for Peace Research and Security Policy, University of Hamburg, Germany.

Nakamichi, Mari. (2017). ***The International Court of Justice Decision Regarding the Gabcikovo-Nagymaros Project***. Fordham Environmental Law Review, Volume 9, Number 2, (2017). P.p. 337- 372.

Dopico, E., Arboleya, E., Fernandez, S. et al.(2022). ***Water security determines social attitudes about dams and reservoirs in South Europe***. Sci Rep 12, 6148. p.2. <https://doi.org/10.1038/s41598-022-10170-7>

Gruen, G.E.(2000). ***Turkish Waters: Source of Regional Conflict or Catalyst for Peace?*** Water, Air, & Soil Pollution 123, 565–579 P.123. <https://doi.org/10.1023/A:1005229419209>

Case Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia). Reports (1997), ICJ. Available at 4 Aug.2022 on: <https://www.icj-cij.org/en/case/92>

Human Development Report (1994), ***New Dimensions of Human***